

# منشکره

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۵ بهمن ۱۳۸۹  
۴ فوریه ۲۰۱۱

خالد حاج محمدی  
بحران انقلابی مصر،  
فرصتی تاریخی

بعد از تونس بحران انقلابی جامعه مصر را وسیعا فرا گرفت، میلیونها انسان به تنگ آمده از استبداد، خفقان، فساد حکومتی، تحقیر و زندگی برده وار، معترضان به فقر و بیکاری و گرسنگی، در مصر به خیابان آمدند تا بیکار برای همیشه به حاکمیت سیاه حکومت فاسد حسنی مبارک پایان دهند. تحرکی که موجی از غرور و اعتماد و عزت نفس را در میان مردم زنده کرد، و امیدواری به امکان زندگی بهتر و قابل تحملتر را بر جامعه ۸۵ میلیونی مصر گستراند. این تحول حاکمان فاسد مصر و کل کشورهای عربی و کل خاورمیانه را در کلبوسی فرو برده است.

تجمع دو میلیون نفره روز سه شنبه در میدان تحریر (آزادی) قاهره حسنی مبارک این نماد دولت فاسد بورژوازی مصر را وادار کرد تا باز هم قدمی دیگر عقب بشیند و اعلام کند که در انتخابات آینده کاندید خواهد شد و "اصلاحات سیاسی و اقتصادی" را در دستور نخست وزیر جدید گذاشته است. عقب نشینی حسنی مبارک، که ظاهرا ابدی بودن حاکمیت فاسدش را با اتکا به سرکوب عریان و زندان و پلیس و شکنجه تضمین کرده بود، امروز در مقابل

صفحه ۵

## بیانیه مشترک احزاب کمونیست کارگری عراق، کردستان و حکمتیست تحولات تونس روزنه ای برای طبقه کارگر در جهان عرب



وزارت و پستهایی در کلینیه دولت موقت گمارده شده بودند، مواجه شد، و آنها را به کناره گیری کشاند. و تا امروز سرنوشت دولت موقت در هاله ای از ابهام باقی مانده است. جدال در تونس، میان کارگران، اتحادیه های کارگری و مردم معترض با باقیمانده دولت حاکم همچنان ادامه دارد. و دستاورد این جدال تا امروز برای کارگران و مردم تونس، فراری دادن رئیس جمهور و آزاد کردن زندانیان سیاسی و



جوامع تونس و مصر است و بعد دیگر گسترش امواج خیزش به کشورهای دیگر و تاثیرگذاری و تاثیر گرفتن آنها از سیاست قدرتهای سرمایه در منطقه و جهان است. واضح است که بررسی این ابعاد ضروری است اما از گنجایش این نوشته خارج است. در اینجا تنها به جوانبی از آن بطور فشرده میپردازم.

دینامیسم اجتماعی و سیاسی این خیزشها  
تونس و مصر جزء بخشی از  
صفحه ۴



دست تکان میدهند! تونی بلر، از رهبران بمباران عراق، اعتراف میکند که دیگر غول از شیشه بیرون جهیده است و نمی توان آن را به شیشه بازگرداند. حکام مرتجع جوامع عربی و نولتهای خاورمیانه، در هراس از به میدان آمدن مردم، یکی پس از دیگری کلینیه و آرایش عوض میکنند! اصلاحات اقتصادی و اجتماعی و بازکردن در اختناق، را وعده میدهند! و به حساب مردم

صفحه ۳

اعتراضات وسیع مردم تونس که از دسامبر ۲۰۱۰ شروع شد، با به میدان آمدن طبقه کارگر و اتحادیه های کارگری تونس که بیش از نیم میلیون عضو دارند، دولت حاکم را فلج کرد و زین العابدین بن علی، رئیس جمهور ۲۳ سال بر مسند قدرت در این کشور، را فراری داد. تلاش محمد الغنوشی نخست وزیر فعلی و رئیس مجلس و باقیمانده دولت حاکم و وعده و وعده دادن، جهت آرام کردن فضا و کنترل اوضاع، تا کتون به جایی نرسیده است. کارگران و اتحادیه های کارگری در تونس، همراه توده وسیع مردم، با

فاتح شیخ  
خیزش توده ای در تونس و مصر  
هنوز شروع کار است!

هفت هفته پس از نخستین جرقه "شورش نان" در تونس (۱۷ دسامبر) و ده روز پس از نخستین موج "روز خشم" در مصر (۲۵ ژانویه)، خیزش توده های پیاخاسته در این دو کشور گامهای بلندی برداشته است. این گامهای بلند در این زمان کوتاه، نشانه ظرفیت عظیم این خیزشها و قدرتمندی نیروهای اجتماعی و سیاسی پشت سر آن است که برای ایجاد تغییرات اساسی در جامعه به میدان آمده اند. تا همینجا توده های پیاخاسته با فراری دادن بن علی در تونس و تحمیل عقب نشینی های تعیین کننده به حسنی مبارک

ثریا شهبازی  
جهانی در دستان قدرتمند مردم!

به دنبال انقلاب مردم تونس که رئیس جمهور را اخراج، زندانیان سیاسی را آزاد، و آزادی احزاب سیاسی را به کرسی نشاند، انقلاب مصر جهان را سراسر به فاز دیگری از دخالت مردم کشانده است. تیغ اعتراضات انقلابی مردم مصر، اعتراضاتی که طی کمتر از ده روز پایه های حاکمیت فاسد و مستبد سی ساله حسنی مبارک را به لرزه در آورد و ریشه مرگ بر پیکر تمام حکام تا مغز استخوان مرتجع کشورهای عربی و خاورمیانه انداخته است، دول غربی و

سراسر جهان را لحظه به لحظه در التهاب نگاه داشته است. سرنوشت خاورمیانه، جوامع عربی و نول فاسد و مستبد حاکم در آن، آینده دولت فاشیست و قومی اسرائیل، مسئله فلسطین، جلیگاه ایران در کمپ ارتجاع جهانی، و بالاخره سلطه بلامنارغ غرب و بخصوص آمریکا بر خاورمیانه و بر کل جهان، همه و همه به فرمان مردم مصر، عجالتا به تعیین تکلیف این انقلاب واگذار شده است!

اوباما و پنتاگون، پشت رژه تانکهای ارتش مصر در خیابانهای قاهره، ارتش عظیم و پرخرجی که مهمترین رکن اقتدار آمریکا در خاورمیانه است، ارتشی که تنها با کمک های رویتین و میلیاردری آمریکا سرپا است، پنهان شده اند! این ارتش را فعلا "دوست مردم مصر" دست به سینه نگاه داشته اند، و از ورای آن برای رسیدن مردم مصر به "مطالباتشان"

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

باینه مشترک احزاب کمونیست... اردن، به تحرکاتی دامن زده است، مردم و بخصوص کارگران و جوانان در این کشورها را هم به میدان آورده است، و بارقه امیدی نسبت به تکرار وقایع مشابه تونس در این کشورها، ایجاد کرده است. هم اکنون در مصر بعد از چند دهه برای اولین بار چند صد هزار نفره در قاهره به خیابان آمده اند. دول مرتجع عرب در خاورمیانه، برای ممانعت از سرایت اتفاقات تونس به کشور تحت حاکمیت شان، در تدارک طرح و توطئه های پیشگیرانه اند. دبیر کل اتحادیه عرب، به همه سران دول عربی نسبت به خطر سرایت اعتراضات تونس به کشورهایشان هشدار داده است و درخواست کرده است که پیش از مبتلا شدن به سرنوشت تونس، گامهایی در راستای مطالبات مردم بردارند! در بخشی از این کشورها، بورژوازی حاکم عقب نشینی هائی کرده، دامنه تعرض به معیشت مردم را کاهش داده است تا بلکه مانع شکل گیری اعتراضات شود. تحولات تونس، از جانب مشتاقانش "بهار دنیای عرب"، "انخستین قیام مردمی در جهان عرب" و "انقلاب یاس" نام گذاشته شده است.

دول غریبی نیز که خود را از تعرض مردم و کارگران در امان نمی بینند، با ریاکاری کامل تحت عنوان "دمکراسی" و "دفاع" از مردم تونس، و به بهانه "حفظ آرامش" و حکومت "قانون"، همراه دول مرتجع کشورهای عربی، در کنار دولت تونس صف بسته اند و به خاموش شدن این اعتراضات امید بسته اند. در این میان کل مافیای مدیای نوکر، امثال بی بی سی و سی ان ان، که بازوی دولتهای حاکم اند، در مقابل این تحولات مهم لال و زبان میکند. تا به امروز اغلب دولتهای حاکم بر کشورهای عربی، تحولات مهم سیاسی و اقتصادی را با ساخت و پاخت با دول امپریالیستی و کودتا و توطئه، به نحوی از سرگذرانده اند. تحولات امروز تونس به این اعتبار، و به اعتبار سکوتشان را شکسته است، ناچار شده مطالبه پایین کشیدن قدرت حاکم و تحمل بخشی از مطالبات خود، مهمترین تحول در چند دهه اخیر در کل دنیای عرب به حساب میآید. و مستقل از سرانجام آن، رنگ خود را بر سیر اعتراضات در خاورمیانه و آفریقا اعمال قدرت، و امیدی به پیشروی و خواهد زد.

تحولات تونس و فضای انقلابی که تا هم اکنون ایجاد شده است، بعلاوه در خاورمیانه و کل جهان، به صف بندیهای مهمی شکل داده است. طبقه کارگر و نسل جوان و مردم آزادیخواه در کشورهای عربی، به تحولات تونس چشم امید دوخته اند. اعتراضات برحق کارگران و مردم تونس، در کشورهایی چون الجزیره، مصر، سوریه، یمن و

تحمل آزادی احزاب و مطبوعات و آزادیهای سیاسی، بوده است. دستاوردهای ارزشمند و انقلابی که باید از آنها در صفتی متحد دفاع کرد و شرایط تثبیت آنها را فراهم کرد.

آنچه اعتراضات و فضای انقلابی تونس را از اتفاقات مشابه در خاورمیانه و آفریقا جدا میکند، به میدان آمدن کارگران و اتحادیه های کارگری، و نقش موثر آنها در هدایت اعتراضات وسیع مردم، برای رفاه و آزادی است.

ضعف جریات مرتجع اسلامی در این رویدادها و قرار گرفتن کامل آنها در حاشیه این تحولات، وجه دیگر تفاوت عمیق رویدادهای امیبخش تونس، با سایر نقاط خاورمیانه و آفریقا است. از این رو است که سران جریانات ارتجاع اسلامی، فربیکارانه تلاش میکنند خود را به آزادیهای سیاسی پایبند نشان دهند.

خود جوش بودن، ضعف احزاب و جریانات ارتجاعی در تونس، و دستاوردهای انقلابی کسب شده تاکوتی، در صفوف کارگران و نسل جوان، بخصوص در جوامع عربی، موجی از تحرک و امیدواری را دامن زده است. و به موازات آن، در دل سران دول مشابه و مرتجع عربی، شبح وحشتی به پرواز در آورده است.

تونس بعلاوه از پیشرفته ترین کشورهای آفریقایی و عربی است که در آن عقب ماندگی فرهنگی و مذهبی، هم در سطح قوانین و هم در مکانیسم های اجتماعی، غلظت کمی دارد.

تونس، اولین کشور، در میان جوامع عرب زبان آفریقا و خاورمیانه است که حرکتی انقلابی از پایین و شرایط یک قیام توده ای، به نیروی مردم را تجربه میکند. تا به امروز اغلب دولتهای حاکم بر کشورهای عربی، تحولات مهم سیاسی و اقتصادی را با ساخت و پاخت با دول امپریالیستی و کودتا و توطئه، به نحوی از سرگذرانده اند. تحولات امروز تونس به این اعتبار، و به اعتبار سکوتشان را شکسته است، ناچار شده مطالبه پایین کشیدن قدرت حاکم و تحمل بخشی از مطالبات خود، مهمترین تحول در چند دهه اخیر در کل دنیای عرب به حساب میآید. و مستقل از سرانجام آن، رنگ خود را بر سیر اعتراضات در خاورمیانه و آفریقا اعمال قدرت، و امیدی به پیشروی و خواهد زد.

کارگر و رهبران کمونیست آن باز طبقه کارگر تونس و پیشروی های آن، دوخته شده است. تا در دل آن و در جدالی طبقاتی، اوضاع را به نفع کل طبقه کارگر و انقلاب کارگری بچرخاند. کارگری، کمونیستها! ما احزاب کمونیست کارگری عراق، کردستان و ایران، همراه طبقه کارگر در این کشورها، در این جدال که شما کارگری و کمونیستی را به حاشیه آن را آغاز کرده اید، در کنار شما برانند. امروز بخشی از هیئت حاکمه و بورژوازی تونس تلاش میکند با اعلام جرم علیه رئیس قبلی حکومت و با قربانی کردن او، به کمک دول غریبی، خود بر مسند قدرت بمانند و کارگران و مردم تونس را به خانه هایشان بفرستد و کل بورژوازی را نجات دهند. نباید گذاشت این اتفاق بیفتد. شرط این مهم، نقش آگاهانه بخش پیشرو و کمونیست کارگران تونس، میزان روشنی، و پرچم سیاسی مستقل خود در دل این تحولات، است. تبدیل پلاتفرم پیروزی طبقه کارگر به پرچم اعتراض این طبقه و مردم انقلابی تونس، تنها ضامن پیروزی قطعی در جدال جاری بین بورژوازی و طبقه کارگر در تونس است. اما برای پیشروی امروز، طبقه کارگر تونس در هر لحظه جدال جاری باید بتواند متحد تر، متشکل تر و متحزب تر بیرون بیاید. نگاه طبقه کارگر در سراسر جهان، امروز به

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

## تظاهرات

در همبستگی با جنبش کارگران و مردم در تونس و مصر برای آزادی و برابری.



زمان: شنبه 5 فوریه  
ساعت: 2 بعد ظهر

مکان تجمع:

میدان گوستاو آدولف و سپس راهپیمای به طرف یرن توریت

از همه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب دعوت میکنیم در این تظاهرات شرکت کنند

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (گوتنبرگ)

# زنده باد جمهوری سوسیالیستی

## جهانی در دستان قدرتمند ...

پول میریزند!

در این میان دخیل بستن دولت ایران به این بحران انقلابی، دولتی که خود را نسب به دوام چوبه های دار و بساط اعدام بر فراز سر مردم ایران بیش از اندازه خوش بین نشان میدهد، و "طرفداری" دولت ایران از انقلاب مصر، اساسا نه برای دخالت در این رویدادها که به منظور دیگری براه افتاده است. ادعای بهره برداری ارتجاع اسلامی به رهبری ایران از انقلاب مصر، از طرف ایران و اسرائیل و آمریکا، اساسا یک پروپاگاند سیاسی به منظور هدف دیگری است.

پروپاگاندی که بیش از اینکه به احتمال و امکان باز شدن دریچه ای در انقلاب مصر برای تقویت ارتجاع اسلامی در این کشور متکی باشد و به آن امید بسته باشد، و یا احیانا بخواهد در مقابل نفوذ نیروهای مرتجع اسلامی که در تونس و مصر در حاشیه اند مانعی ایجاد کند، اساسا به منظور تامین سوخت برای آتش کم سوی جدال ارتجاعی دولت ایران با اسرائیل و آمریکا براه افتاده است. از ورای "طرفداری" دولت ایران از انقلاب در مصر و پروپاگاند سیاسی حول آن، میتوان ریشه لوزه بر اندام احمدی نژاد و خامنه ای، ترس و نگرانی هردو جناح و طرفدارانشان از عروج یک تحرک انقلابی در ایران علیه فقر و گرسنگی بیکاری، را مشاهده کرد. شتر مصر پشت در ایران هم خوابیده است! وعده کنترل تورم و مبارزه با فساد اقتصادی از طرف دولت ایران، بازتاب این احساس خطر است. تحولات انقلابی در کشورهای عربی، هیچ جزیره آرام و با ثباتی فعلا

در خاورمیانه برجای نگذاشته است.

انقلاب تونس، انقلاب مصر، سر بلند کردن اعتراضات در اردن، یمن و الجزایر و ... نورنمای وسیع تری از انقلابات در خاورمیانه و آفریقا، و در تغییر سیمای سیاسی جهان را ترسیم میکند. سرنوشت این انقلابات به هر کجا که بینجامد، فی الحال رابطه قدرت در جهان در ابعاد ماکرو، مقام و موقعیت حکام و حکومت شوندهگان، سروران و پایین دستان، محرومین و مرفهین، بی دردان و دردمندان، سرکوب کنندگان و سرکوب شوندهگان، زندانیان و زندانبانان، استثمار شوندهگان و استثمار کنندگان، بورژوازی و طبقه کارگر، ... را تماما تغییر داده است.

در پس این رویدادها مردم جهان چهره وحشتزده، مضحک و مترسکی روسای قدرتمند دول غربی، سروران جهان، کسانی که با یک فرمان قادر بودند نابودی جوامع انسانی و از جمله عراق، را صادر کنند و آن را به سهولت به اجرا در آورند! مقامات و قدرتهایی که یک شبه قادر بودند راه خوراک و دارو میلیونها نفر را مسدود کنند! سیمای شخصیت های "محترمی" که هنر دروغ و ریا و توطئه و دسیسه، البته ملبس به کت و شلوار و دامن و کروات، را دمکراسی و آزادی گذاشته اند، دیده اند. پوشالی بودن قدرتشان در مقابل عزم

مردم را مشاهده کرده اند! ترس را در چشمان دشمنان قدرتمندشان دیده اند! دیده اند که چگونه احترام و عزت به زور تفنگ شان، مقام و منزلت به زور پول و ثروتشان، در مقابل سیل خروشان مردمی که فقر و بیکاری و بی حقوقی و تسلیم را سهم خود از زندگی نمی دانند، چه سبک بال برید میروند. و همه این موازنه ظرف کمتر

از یک ماه تغییر کرده است. برای تغییر این رابطه و باز گرداندن غول به درون شیشه، کاری به مراتب عظیم تر از انقلاباتی که براه افتاده لازم است. به میدان آمدن میلیونی مردم، دست بردن به قدرت خود و به کرسی نشاندن مطالبات خود، مستقل از خرد یا کلان بودن مطالبات، اعلام حضور نیروی سومی است در جهان، که برای دخالت در سرنوشت خود پا به میدان گذاشته است.

حضور این نیرو، نه تنها قدرت واقعی روسای دول مرتجع آفریقا و خاورمیانه و دولتهای "محترم" غربی را نشان داد، بعلاوه پرده از سیمای اپوزیسیون های سنتی، رویتن، و رایج، متعلق به شرایط "نرمال"، چپ یا راست، در سراسر جهان را هم برداشته است. اپوزیسیون هایی که چندین دهه است، و به خصوص پس از شکست انقلاب ایران، به هیچ نیروی در پائین جامعه متکی نیستند. اپوزیسیون هایی که عمری است یا در شکاف جدال در کمپ های مختلف و متنوع و ملون ارتجاع جهانی و در رقابت ها و سازش های آنها مامن کرده اند و در هوای آنها خوابیده اند، یا جهان را اساسا به خود نامربوط میدانند. سکت های حاشیه ای که به امید اجر آخرت، به نام مردم یا طبقه کارگر، زنان ستمدیده یا نژاد له شده، و در حفاظت از محیط زیست

و .. اعتراض و مبارزه میکنند. اپوزیسیون هایی که داستان انقلاب ۵۷ ایران، داستان انقلاب بلشویکی روسیه، داستان انقلاب کوبا و نیکاراگوا و چین را، از زبان شکست خوردگان آن انقلابات شنیده اند! درسهای آن انقلابات شکست خورده برای آیندگان را، تسلیم و دست شستن از تعرض برای کسب قدرت سیاسی میدانند. انقلابات در

مصر و تونس با سد بی تفاوتی انواع این اپوزیسیون ها، در سراسر جهان مواجه شده است. اپوزیسیون هایی که برای دخالت و حمایت، تضمین پیروزی میخواهند.

جهان قریب یک قرن است که تشنه چنین سلسله انقلابات زیرو رو کننده ای است. جهان بیش از هر زمانی طی یک قرن گذشته، محیط مناسبی برای دخالت و به میدان آمدن طبقه کارگر، و پیشروان کمونیسیت طبقه کارگر است.

به اقتدار جهانی بورژوازی، نظام سرمایه، و ارکان حاکمیت اش ضربات سخت و سرنوشت سازی خورده است. بر میدیای کنترل شده و انحصاری، این رکن مهم حاکمیت بورژوازی که از جنگ اول عراق به زرانخانه دولتها و در راس آن آمریکا اضافه شد، به سلطه بلامنارغ دولتها بر میدیایی که به اندازه بمب هایی که بر سر مردم عراق ریختند برای به سکوت کشاندن و خفه کردن جوامع انسانی کار ساز بود، ضربات کاری خورده است. رئیس یک حکومت در کشور مهمی، به قدرت مردم به زیر کشیده شده است. و در مصر، این مهمترین کشور عربی، نیکتوری در حال به زیر کشیده شدن است. دشمن رو در روی طبقه کارگر، بورژوازی، زیر حملات و ضربات کوبنده مردم انقلابی و طبقه کارگر، قرار گرفته است.

سرنوشت این انقلابات بیش و پیش از هر کس و هر چیزی به میزان دخالت طبقه کارگر و پیشروان کمونیسیت این طبقه، گره خورده است. روزهای تعیین کننده و مهمی در پیش است، برای کسانی که داستان زندگی شان نه تفسیر جهان، که تعبیر آن است.

## خیزش توده ای در تونس و ...

و جریانات اسلامی ضدغربی بوده است. همچنانکه در آمریکای لاتین هم به عروج جنبشهای ناسیونالیستی پوپولیستی نوع چاوز و دی سیلوا منجر شده است. بخشهایی از بورژوازی این جوامع، هم سهم بیشتری از ثروت جهانی انباشته شده از استثمار طبقه کارگر جهانی میخواهند و هم مجال تحرک سیاسی بیشتری را مطالبه میکنند. این شکاف، از سالها پیش مساله اصلاح نظامهای سیاسی استبدادی به نظامهای پارلمانی را در دستور غرب گذاشته است.

تبدیل استبداد نظامی در آمریکای لاتین و ترکیه به رژیمهای پارلمانی و تلاش برای بطور مثال اجرای این سناریو در

برمه و غیره با هدف ایجاد ترتیبات سیاسی بلوامتر بورژوازی در این کشورها در برابر پتانسیل انفجار انقلابات و عروج جنبش ضدسرمایه داری طبقه کارگر است. اساس طرح "خاورمیانه بزرگ" بوش و "خاورمیانه گسترده" بلر در همین استراتژی و سیاست بود. اگر آن طرحها متکی به استراتژی میلیتاریستی و تاکتیک "رژیم چنج" بود، با شکست میلیتاریسم آمریکا و ناتو اکنون همان برنامه از راه فشارهای سیاسی توسط غرب پیش برده میشود. این از جمله رسالتهای اوپاما در مقابله با بحران اقتصادی و بحران سرکردگی آمریکا و بحران رقابت با چین و روسیه و برزیل و ... بر سر تقسیم مجدد جهان است.

موجود و بخشهایی از اپوزیسیون، این اصلاحات سیاسی را وارد نظام سیاسی حاکم کنند تا بتوانند از تحولات انقلابی جاری جان سالم بدر برد. آیا موفق خواهند شد؟ امکانات معینی برای این پروژه و سد کردن موج خیزشهای توده ای دارند و موفقیشان غیرممکن نیست. اما تفاوت صوهشاد درجه شرایط امروز با قبل از به میدان آمدن جسورانه توده های کارگر و محروم جامعه امکان موفقیشان را محدود و مشروط کرده است. هر تغییر و اصلاح مورد نظر در نظامهای سیاسی موجود، با چگونگی سیر این بحران انقلابی که همچون سیل بنیافتگی فرارسیده است محک خواهد خورد. طبقه کارگر ناگزیر است که در برابر همه تلاشهای ضدانقلابی بورژوازی محلی و جهانی، با تمام توان از دستاوردهای تاکتونی

## رادیو پرتو صدای رادیکال طبقه کارگر

ساعت پخش رادیو پرتو جمعه ها

۱۸ تا ۲۰ به وقت لندن

۱۹ تا ۲۱ به وقت اروپای مرکزی

۲۰ تا ۲۲ به وقت ایران

نما میثالی در ایام هفته شونده تکرار برنده در این ساعت پخش

www.radiopartow.com/wp/

مرگ بر جمهوری اسلامی!

## خیزش توده‌ای در تونس و ...

جوامع سرمایه داری امروزی اند که موقعیتشان در تقسیم کار جهان سرمایه داری این است که حوزه کار ارزان و مقصد صدور سرمایه با هدف کسب سود سرشار از استثمار نیروی کار ارزان طبقه کارگر هستند. اقتصاد و سیاست این جوامع، در تمایز با جوامع تاریخی پیشرفته تر سرمایه داری، بر دو پایه استوار است: اول اتکاء بر نیروی کار ارزان طبقه کارگر و تضمین بازتولید آن و دوم استبداد سیاسی و سرکوب عریان بعنوان ربنای سیاسی آن.

بحران جهانی سرمایه داری سه سال اخیر و تعرضات وسیع بورژوازی همه جوامع به معیشت و حقوق و دستاوردهای طبقه کارگر و اقتدار فاکتد سرمایه، چه در کشورهای پیشرفته سرمایه داری و چه در کشورهای حوزه کار ارزان با اعتراضات و مقاومت‌های گسترده کارگری و توده‌ای روبرو بوده است. تحولات تونس و مصر سر باز کردن انفجاری این رویاروییها و نبردها در حلقه‌های ضعیفتر سرمایه داری جهانی است. در تونس و مصر و جوامع مشابه آنها، هم طبقه کارگر و توده‌های محروم جامعه از تنزل معیشت و بیحقوقی و سرکوب دائم‌کارد به استخوانشان رسیده است و هم اقتدار ناراضی بورژوازی و خرده بورژوازی از استبداد سیاسی و بیحقوقی، بیش و کم به جان آمده اند. سیر رویدادها در چهار هفته اول خیزش توده‌ای در تونس و همین‌ده روز در مصر ترکیب اعتراض این نیروهای اجتماعی مختلف را نشان داده است.

جمعیت عظیم نسل جوان این جوامع که اکثراً به طبقه کارگر و اقتدار پلین جامعه تعلق دارند، بخش عمده ارتش وسیع بیکاران این جوامع را تشکیل میدهند که وجود آن شرط بازتولید نیروی کار ارزان است. برای این نسل جوان که اکثراً تحصیلات دانشگاهی دارند، مدرک فارغ التحصیلی بیشتر مانند گرفتن کارت عضویت در ارتش بیکاران است تا بدست آوردن فرصت کار. بسیار طبیعی است که در دوره کنونی، تناقضات سرمایه داری در چنین جوامعی چه در اقتصاد و چه در سیاست، به انفجار انقلابی بگردد: آن چیزی که هم اکنون در تونس و مصر شاهد هستیم. اگر این انفجار تا همینجا فضای سیاسی را باز کرده و به سلطه دولت سرکوبگر ضربه زده است به معنی این است که جنبشهای سیاسی طبقتهای چه کارگری و چه بورژوازی از همه نوع آن امکان یافته اند به میدان

بیایند، افقها و اهداف خود را تعقیب کنند و صفوف خود را متحد و نیرومند سازند. این آن دینامیسم رشد مبارزه طبقاتی در دل پیشرویهایی تحولات انقلابی و یا پس‌رانده شدن این تحولات توسط بورژوازی در حکومت و در اپوزیسیون است که اکنون شاهد لحظات و رویدادهای روزانه آن هستیم.

نیروی اجتماعی و سیاسی پشت این تحولات وسیع و گوناگون است و هنوز تنها بخش کوچکی از آن به میدان آمده است. نقش ارتش و دیگر نهادهای نظامی و سیاسی و قضائی بورژوازی در کنار نقش اپوزیسیون بورژوازی، محدود کردن دامنه این تحولات است.

مقابله نقش رهبران کارگری و تشکلهایشان و همچنین جوانان انقلابی و آزادیخواهان جامعه بسط و تداوم دستاوردهای تاکتونی است. کارگران در حال حاضر در تونس در قالب "اتحادیه سراسری شغل تونس" و در مصر در قالب فدراسیون تازه تشکیل شده اتحادیه‌های کارگری (که در ۳۰ ژانویه هیأت موسس آن اعلام موجودیت کرده است) مبارزات و دخالتگری خود در تحولات جاری را پیش می‌برند. در مصر همچنین "جنبش ۶ آوریل" که از آوریل ۲۰۰۸ به دفاع از مبارزات کارگری آن مقطع به میدان آمده است، نیروی اصلی بسیج‌کننده اعتراضات ده روز گذشته بوده است. با هم میدان آمدن دارودسته‌های ضدانقلابی طرفدار مبارک و دولت حاکم، از روز چهارشنبه تظاهراتها به درگیری خیابانی کشیده است و جنبش ۶ آوریل روز جمعه ۴ فوریه را بعنوان روز تجدید اعتراض عمومی برای برکناری مبارک اعلام کرده است.

چشم‌انداز این تقابلهای هرچه باشد، تحولات برپاشده در تونس و مصر در چشم‌انداز نزدیک با کاراکتر و خواسته‌های اصلاحی سیاسی و اقتصادی ادامه خواهد داشت. تداوم این تحولات انقلابی، هم عرصه دخالتگری فعال و رادیکال کارگران و کمونیستها و هم عرصه تلاش بیوقفه آنان برای ایجاد اتحاد و تشکل محکمتر در صفوف طبقه کارگر و تامین صف مستقل و افق و آلترناتیو کارگری و کمونیستی، اشاعه کمونیسم پرولتری و شکل دادن به حزب کمونیستی آن است. در همه جوامع سرمایه داری امروز جهان، هر تحول انقلابی ولو با کاراکتر اصلاحات دموکراتیک و در چارچوب مناسبات بورژوازی، به دلیل حضور اجتماعی قدرتمند پرولتاریا در اقتصاد جامعه، میتواند پیشدرآمد انقلاب کارگری و سوسیالیستی باشد. شرط پیشرفت و تداوم آن در این مسیر تامین ملزومات صف مستقل و مقتدر پرولتاریا و شکل

دادن به حزب کمونیستی و ارگانهای اقتدار توده‌ای طبقه است.

## گسترش جغرافیایی امواج خیزش توده‌ای

در بعد دیگر گسترش این تحولات، شاهدیم که خیزش توده‌ای در تونس و مصر تا همینجا پیامها و پیامدهایش را به جغرافیای سیاسی گسترده‌ای فعلاً در شمال آفریقا و خاورمیانه رسانده است و پیوسته که شتاب حرکت آن و انرژی اجتماعی و سیاسی پشت آن ظرفیت تأثیرگذاری بیشتر بر جغرافیای سیاسی گسترده تری در منطقه و جهان دارد. پادشاه اردن زیر فشار اعتراضات عمومی به برکناری نخست‌وزیر "سمیر رفاعی" تن داده و ژنرال "معروف بخیت" را با وعده اصلاحات

سیاسی و معیشتی به ریاست کلینیه گمارده است. در یمن علی عبدالله صالح که ۳۲ سال است در پست ریاست "جمهوری" مانده است، روز چهارشنبه اعلام کرد که در انتخابات ۲۰۱۳ نه خودش و نه پسرش! کاندید نخواهند شد! در سودان همزمان با رای بیش از ۹۹٪ شرکت‌کنندگان رفراندوم منطقه جنوبی سودان به جدائی، حکومت اسلامی عمر بشیر با مصاف جدی اپوزیسیون بورژوازی و اعتراض توده‌ای روبرو شده است. اگر در تونس و مصر استبداد بورژوازی متکی به ناسیونالیسم عربی "اسکولار" ضربه خورده و در آستانه سقوط قرار گرفته است، سرایت این خیزش به سودان دارد استبداد بورژوازی متکی به جنبش اسلامی را به پرتگاه سقوط میراند. در سوریه هرچند بشار اسد مدعی شده که این "بیماری" حاکمیتش را تهدید نمیکند اما جنبش‌های اپوزیسیون، روز ۴ فوریه را بعنوان شروع اعتراضات اعلام کرده اند. در الجزایر که در یک ماه و نیم گذشته هم شاهد اعتراضات توده‌ای بوده است روز ۱۲ فوریه توسط مخالفان رژیم بوتفلیقه برای تجدید حرکت اعتراضی اعلام شده است. اقدامات پیشگیرانه این دولتها، وحشت آنها را در برابر سونامی تحولات انقلابی جاری، به خوبی نشان میدهد. این وحشت را در سیمای رژیم اسلامی ایران هم به وضوح میتوان دید.

گسترش جغرافیایی این تحولات میتواند فراتر از جهان عرب و خاورمیانه برود. اشتراک زبان و شباهت نظامهای استبدادی و تاریخ معاصر خاورمیانه عوامل مساعدتری برای سرایت این تحولات به کشورهای عرب خاورمیانه است اما خصلت مشترک نظامهای نارضاباتی وسیعی را در صفوف بورژوازی این جوامع دامن زده که از جمله در خاورمیانه در نو دهه اخیر محل تغذیه و رشد جنبشها

ممکن میسازد. در هر حال گسترش جغرافیایی این تحولات در هر حدی باشد، خصلت آن انفجار تناقضات سرمایه داری جهانی بر متن بحران اقتصادی است و بنابراین تأثیرات جهانی بجا خواهد گذاشت. تا همینجا میتوان گفت که تحولات انقلابی آغاز سال ۲۰۱۱ مهر پایانی بر هیاهوی دو دهه پیش جناح راست بورژوازی درباره "پایان تاریخ" و "پایان کمونیسم" و پایان عصر انقلابات زده است. همچنین میتوان گفت که تحولات سال ۲۰۱۱ آخرین ضربه را به استراتژی میلیتاریستی آمریکا و غرب و "جنگ علیه تروریسم" نشان که در ده سال گذشته از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ سایه شوم خود را بر جهان گسترده، وارد کرده است.

## برخورد آمریکا و غرب

آخرین موضعگیری اوپاما و تاکید او بر شروع اصلاحات سیاسی در مصر از همین حالا! و تاکید تندتر رقیب قبلی اش سناتور مک کین بر همین موضع، خصلت نمای برخورد امروز آمریکا و غرب برای جلوگیری از بسط و گسترش بیشتر این تحولات و بهره برداری امثال اخوان المسلمین از این اوضاع است. موضعگیری اوپاما و مک کین که مورد تالیید دیوید کامرون، بانکای مون، سارکوزی، مرکل، نتیناهو و تونی بلر هم قرار گرفته، بعد از سخنرانی سه شنبه مبارک و اعلام کاندید نشدنش در انتخابات ریاست جمهوری سپتامبر امسال اعلام شده است. آمریکا و غرب اکنون از مبارک میخواهند که فوراً کناره‌گیری کند. آنها میخواهند با قربانی کردن مبارک، دولت حاکم کنونی و نظام سیاسی و اقتصادی طرفدار خود در مصر را با وارد کردن اصلاحاتی در جهت متکی کردن بیشتر آن به نظام پارلمانی و انتخابات آزاد حفظ کنند و جلو دست بردن طبقه کارگر به قدرت سیاسی و تعرض آن به بنیادهای نظام سرمایه داری را بگیرند. قربانی کردن بن علی در تونس توسط دولت بورژوازی تونس و ارتش بمثابه ستون فقرات دولت در همفکری و همکاری با دولت‌های فرانسه و آمریکا در سه هفته پیش، با همین هدف صورت گرفت.

واقعیت این است که گسترش عظیم سرمایه داری جهانی و بازتر شدن شکاف ثروت بین جوامع سرمایه داری پیشرفته تر صادر کننده سرمایه با عوامل مساعدتری برای سرایت این تحولات به کشورهای عرب خاورمیانه است اما خصلت مشترک نظامهای نارضاباتی وسیعی را در صفوف بورژوازی این جوامع دامن زده که از جمله در خاورمیانه در نو دهه اخیر محل تغذیه و رشد جنبشها

# کارگران جهان متحد شوید!

## بحران انقلابی مصر، فرصتی...

سپل خروشان همین مردم سرکوب شده، همین مردم نفرین شده، که حرمت و کرامت انسانی آنها در این سالیان خرد شده بود، قدرت و امیدی را ایجاد کرده که دنیا به تماشای آن خیره شده است. امیدواری و اعتماد به نفسی که در میان نسل جوان و کارگر و انسان شریف آن جامعه زنده شده است، اگر با روشنگری در جهت تامین منفعت کل طبقه کارگر و انسان دردمند آن جامعه بکار گرفته شود، بنیاد ستمگری، بیکاری و فقر و محرومیت و استبداد را در یکی از مهمترین کشورهای خاورمیانه ریشه کن میکند و پیروزی بزرگی را نصیب بشریت متمدن و طبقه کارگر جهانی خواهد کرد.

تحولاتی انقلابی که از تونس شروع شد، مصر را در خود فرو برد، دامنه آن کل کشورهای عربی از الجزیره و اردن، تا یمن، سوریه و کویت و حتی عربستان سعودی را تحت تاثیر گذاشت. این تحول برای اولین بار در کشورهای عربی طعم شیرین به زیر کشیدن دولت و حاکمیت و دستگاه سرکوبشان را در میان مردمانی که هیچوقت آن را در تجربه خود نداشته اند، نصیب مردم کرد. برای اولین بار هیولای قدرت، نمایندگان خدا، قدرت لایزال آنها و ابهت شان، در میان توده انقلابی که سالیان سال این اوضاع را تحمل و ابدی بودن آنها را قبول کرده بودند، کاملاً ریخت. رابطه مردم را با دولت تا همین امروز عوض کرده است و امکان پایین کشیدن دولت و دستگاه سرکوب را در دل مردمان این جوامع کاشته است.

بورژوازی و دولتهای حاکم تلاش میکنند با تمام توان از ریختن سیستم فاسد ممانعت کنند، تلاش میکنند دامنه گردباد انقلاب توده های ناراضی را محدود کنند، تلاش میکنند با دادن امتیازاتی مانع "زبله های جبران ناپذیر" و مانع سرایت آن به سایر کشورها شوند. همه دولتهای فاسد و مستبد در دنیای عرب دستیچاه اقداماتی پیشگیرانه را در دستور گذاشته اند. از پرداخت سوبسیدها بر کالاهای مصرفی و ارزان کردن قیمت یکسری از مایحتاج مردم در الجزیره، تا تلاش برای ساختن هزاران دستگاه مسکونی در لیبی در جهت تامین مسکن مردم، تا اعلام پرداخت ۳۵۰۰ دلار ماهانه به هر شهروند کویتی به مدت ۱۴ ماه از جانب حکام مترجع این مملکت، تا تعهد به اصلاحات سیاسی و اقتصادی در یمن و اردن و... همگی از این قبیلند و این هنوز تاثیرات نسیمی است که دو ماه است وزیده است.

امروز دامنه کابوس آینده این دولتها، میزان و دامنه عقب نشینی ای که به دولتها و بورژوازی کشورهای عربی تحمیل خواهد شد، کل بورژوازی و دول غریبی را فرا گرفته است. سران دول غریبی از انگلستان، فرانسه، آلمان، اسرائیل و... تا دولت آمریکا در تلاشند که به کمک دولت های مترجع عرب، حتی با فداکردن یاران و دوستان تاریخی خود چون بن علی و حسنی مبارک و... مانع شکستن ماشین دولتی بورژوازی شوند، مانع لطمه سنگین به نظام سرمایه و دستگاه قدرت و دولت آن و مانع لطمه خوردن منافع استراتژیکنان در منطقه شوند. اعلام "پشتیبانی" از مردم متفرد و معترض، بخشی از تلاش سیاسی آنها برای حفظ مقبولیت خود نزد مردم و حقه کردن راه حل خود به همین مردم و به قناعت رساندن آنها به حداقلی از مطالبات برای اتمام بحران انقلابی است.

این تحولات تا همین اکنون تاثیرات عمیقی را در کل خاورمیانه و کشورهای عربی ایجاد کرده است. در تونس آزادی احزاب، عقیده و بیان و اعلام شده است و زندانیان سیاسی آزاد شده اند. فضایی در این جوامع باز شده است که فضای مختلق و مسموم و تنگ گذشته را شکسته است. مردم نفس راحتی را بعد از چند دهه کشیده اند و توازن قوا میان کارگر و مردم با دولت و دستگاه حاکم عوض شده است و دیوار بلند استبداد ترک برداشته است. مردم در ابعاد میلیونی برای دخالت در سرنوشت خود به خیابانها آمده اند. این اوضاع بیش از هر کس و هر قشر و طبقه ای به نفع طبقه کارگر است. طبقه کارگر برای اولین بار فرصتی یافته است تا در این فرصت اتحاد صفوف خود را بالا ببرد و مهمترین مطالبات خود را به پرچم مطالبه میلیونی تبدیل کند. اگر احزاب بورژوازی در اپوزیسیون در تلاشند، آلترناتیو خود را بسازند و مردم را زیر چتر خود جمع کنند، کارگر و کمونیست آن جامعه نیز این امکان را دارد که با هوشیاری پرچم سیاسی خود را بلند کند و صفوف خود و توده زحمتکش این جوامع را زیر پرچم انسانی خود جمع کند. این فضا برای کمونیستهای این جوامع فرصتی طلایی را باز کرده است که جواب خود و راه حل و آلترناتیو خود را در ابعاد میلیونی به گوش مردم برسانند و مانع قیچی کردن این تحول انقلابی و سد کردن راه پیشروی آن از جانب جریانات بورژوازی شوند. این دوره تا همین امروز آگاهی کارگر و انسان تحت ستم را به اندازه دهها سال بالا برده است. این فضا اگر با روشن

بینی و دخالت جدی در آن از جانب بخش آگاه طبقه کارگر برخوردار شود، میتواند طبقه کارگر را در ابعاد وسیع و زیر پرچم طبقاتی خود متشکل کند و تحزب کمونیستی آن فرا جوانه بزند. مهم این است که در همین تحولات، در دل همین جنگ و جدال کارگر و کمونیست آن جامعه نمایندگی قاطع و انقلابی سرنوشتی دولتهای فعلی باشند. نه به این دولتها، و تلاش برای قرار گرفتن در راس همین تحولات دمکراتیک که در خود مهم و حیاتی است، کارگر و کمونیست آن جامعه را به بزرگترین نیرو و قدرتمندترین نیرو میتواند تبدیل کند که فرمان ادامه تحولات و جهت آن را در مصر و... به دست کمونیست و کارگر متشکل و متحزب آن جامعه بسپارد. این امکانی و فرجه و فرصتی است که باز شده است و همین هیجان انگیز است.

تضمین ادامه تحولات انقلابی در مصر و تونس و بقیه کشورها، به صورتی که طبقه کارگر این کشورها بیشترین نفع حاصلش شود، بستگی به نوع دخالت این طبقه و نیروهای سیاسی و توازن میان آنها است. فضایی برای همه باز شده است و طبیعی است هر حزب و جریان سیاسی تلاش میکند، این تحولات به جهتی پیش برود و به صورتی بر آن تاثیر بگذارد که بیشترین نفع نصیب جنبش و طبقه اش شود و نیای عرب، در مصر و تونس و... بهترین شرایط را برای جنبش و طبقه و حزب سیاسی خود فراهم کند. برای طبقه کارگر این مهم در گرو دخالت آگاهانه نیروهای دخیل و مشخصا طبقه کارگر و کمونیستها در آن جامعه است. این اوضاع میتواند به سکوی پرشی برای قدرت گیری این طبقه تبدیل شود. اما آنچه که امروز مشاهده نشان میدهد هنوز طبقه کارگر در کشوری مثل مصر، از این میزان از آمادگی برخوردار نیست، هنوز کمونیستها در این کشورها در این سطح اعلام نقش و حضور روشن نکرده اند. اما کل مسئله این است که اوضاع کنونی در بسیاری از این کشورها میتواند فرجه و امکان

چنین تولدی باشد. یک جنبه مهم و شورانگیز این تحولات انقلابی این است که این امکان باز است و دست رهبر و فعال بادربایت و صاحب و خط و دخالتگر آن جوامع را میبوسد. مهم این است در دل این تحولات اگر مطلقا در چهارچوبه مطالبات دمکراتیک کنونی هم باقی بماند، بیشترین عقب نشینی به بورژوازی این کشورها تحمیل شود و بیشترین آگاهی و اتحاد و آمادگی را در صفوف کارگران بوجود آورد. مهم این است بعد از این دوره کارگر مصری و تونس و اردنی و... احساس کند قدرتمند شده است، چنان متشکل و آگاه شده است، چنان متحزب و روشن شده است که هیچ دولت و جریانی نمیتواند حذفش کند. ادامه تحولات کنونی به هر سرانجامی میتواند بینجامد، مسیر آن را نقش نیروهای سیاسی و دخالتگری آنها تعیین خواهد کرد. اما تا اینجا طبقه کارگر و انسان آزاده در این کشورها دستاوردهای بارز و ارزشی کسب کرده است.

این اتفاقات برای طبقه کارگر ایران تجارب و درسهای گرانبهائی را در بردارد. و البته وظیفه ای مهم را در دستور و بروش کل طبقه کارگر در ایران و کشورهای دیگر قرار میدهد که در این روزهای سرنوشت ساز نقش مدافع هم طبقه ای های خود را در نیای عرب، در مصر و تونس و... بازی کنند. کارگران تونس، مصر، اردن و یمن و... امروز در دل این تحولاتند و دفاع از آنها و دفاع از انقلاب و خواست و اعتراض آنها یک وظیفه مهم همگی ما است. کارگران مصری و تونس و... باید بدانند که طبقه کارگر در ایران و سایر کشورها چشم امید به نقش مستقل و آگاهانه این طبقه و بخش پیشرو و کمونیست آن مصر، از این میزان از آمادگی بسته است. هر درجه از پیروزی کارگران و مردم از اندیخواه در هر کدام از این کشورها دستاوردهای گرانبهائی برای کل طبقه کارگر است.

نشریه حزب کمونیست کارگری

حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را نگثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

هفتگی

زنده باد سوسیالیسم